

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Economic

اقتصادی

هاله صفر زاده

۰۵ اگست ۲۰۱۱

## زندگی و مبارزه مردم مکزیک

### در برابر نئولیبرالیسم

۷

جنبش کارگری در مکزیک چگونه کار می‌کند؟

چه دستاوردهایی داشته است؟

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، اشکال مبارزه علیه سرمایه داری در مکزیک بسیار متنوع است. هر جا که تضاد طبقاتی شدیدتر باشد، اشکال مبارزه نیز متنوع‌تر و حادثر خواهد بود. بسیاری از این سنت‌های مبارزاتی، ریشه در فرهنگ مکزیک‌ها و سنت زندگی جمعی سرخپوستان دارد:

از سوئی، امروزه دیگر نمی‌توان مبارزات سندیکاهای مستقل علیه سیاست‌های نئولیبرالی در مکزیک را نادیده گرفت. این هم بعد دیگری از این مبارزات است که به طور روزمره در مکزیک جاری است.

خصوصی سازی، قراردادهای موقت، استخدام از طریق شرکت‌های پیمان‌کاری، کاهش پوشش تأمین اجتماعی و خدمات اجتماعی نظیر بیمه و بازنشستگی و... دست‌آورد نفتا و سیاست‌های نئولیبرالی است. کارگران مکزیک دریافته اند که تنها راه در مقابل این هجوم سرمایه‌داری، مقاومت و مبارزه است، آن هم مقاومتی متشکل و جمعی. هیچ کدام از این تشکلهای و سندیکاهای مستقل کارگری، یک شبه سبز نشده اند، آنها محصول مبارزات گذشته و تجربیات کارگران مکزیک اند.

مبارزات کارگران در سندیکاهای مستقل مکزیک، از صرف مبارزه برای کسب اضافه حقوق، فراتر رفته و مستقیماً ارگان‌های نئولیبرالیستی حاکم را نشانه رفته است. در هم تنیدگی و شدت فشارهای اقتصادی، در هم تنیدگی مبارزات، اعتراضات و مقاومت‌ها را می‌طلبد. این امر، نمود روشن و واقعی در مکزیک دارد. آنچه که در سندیکاهای مستقل مکزیک جریان دارد، فراتر از سندیکالیسم است، همان گونه که مبارزات ارتش آزادیبخش زاپاتیست‌ها، فراتر از مبارزات چریکی دهه‌های قبل است. قرن بیست و یکم، قرن مبارزه مستقیم و شدید علیه

سرمایه‌داری است. این مبارزه، هرچند ادامه مبارزات و حاصل فعالیت‌های مبارزان در قرن بیستم است، اما شیوه‌ها، نمودها و مسایل خاص خودش را می‌طلبد.

بندیکتو مارتینز Benedicto Martinez، در سخنرانی خود در کارگاه مکزیک که در هامیلتون کانادا، در این مورد چنین گفت:

"در مقابل این ستراتژی‌ها، ما باید ستراتژی مثبتی را برای خودمان پیدا کنیم. دنبال آلترناتیو باشیم تا الگوی مثبتی را بیابیم. فات، در این راستا حرکت می‌کند و به دنبال متشکل کردن اتحادیه‌هاست تا قدرتی را به وجود آورد. ما تمام اقسار دیگر را تشویق می‌کنیم که اتحادیه تشکیل دهند. جنبش کارگری از جنبش سایر نقاط جدا افتاده... هنوز جنبش کارگری در صف جنبش مبارزه ضد جهانی سازی نیست. مسأله امنیتی و قضائی آن، بسیار پیچیده است. باید کار کنیم تا این پیوند دوباره برقرار شود. در سال ۲۰۰۵ هفته‌ها برای تغییر قانون کار مبارزه داشتیم تا سه جانبه‌گرایی را لغو کنیم..."

یک زن کارگر، که عضو یکی از تشکل‌های کارگری مکزیک است، می‌گوید:

"اصلی‌ترین تناقض این است که در عین حال که کار مشخص انجام می‌دهیم... و در هر بخشی که موفق می‌شویم تشکلی را به وجود آوریم، بلافاصله آن را تعطیل کرده و کارگران را اخراج می‌کنند. سپس روز بعد، آن بخش با اسم جدیدی کار را شروع می‌کند. این در عین موفقیت، شکست ما هم هست. جنبش رشد می‌کند. روز به روز، تعداد کسانی که در تشکل‌ها و اتحادیه‌های مستقل عضو می‌شوند، رشد می‌کند.

خود اتحادیه و کار در آن، کمک می‌کند که شرایط را تغییر دهیم و ما را برای متشکل کردن کارگران دیگر، آماده می‌کند. این کار سه سال طول کشیده است. در این سه سال، کار ما ده برابر شده است. هی کار می‌کنیم، هی متشکل می‌کنیم و بعد همه اخراج می‌شوند. بعد شرکتی جدید و با اسم دیگر و روز از نو، روزی از نو. تمام کارگران یک کارخانه را در عرض ۲۴ ساعت اخراج می‌کنند. در این شرایط، چگونه می‌توان سندیکا را تشکیل داد؟ آن‌ها فکر می‌کنند که چگونه ما را از بین ببرند، ما هم باید فکر کنیم چگونه می‌توانیم ادامه دهیم. ما باید از راه‌های قانونی هم استفاده کنیم (منظور شکایت در دادگاه‌ها و... است)."

این تشکل‌های مستقل اعتقاد دارند که "کارگران نباید بروند و تقاضای ثبت قانونی سندیکا و تشکل خود را بکنند". بندیکتو مارتینز در این مورد چنین گفت:

"... در مکزیک باید اتحادیه‌مان را ثبت می‌کردیم. ما این مسأله را طرح کردیم که اصلاً چرا باید اتحادیه را ثبت کنیم... دوسال طول کشید و بسیار زیر فشار بودیم. هر کسی حقش را می‌خواست، یا باید به زندان می‌رفت و هزار جور اتهام را به جان می‌خرید، یا بیکار می‌شد..."

کارگران فعال در سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل مکزیک، معتقدند که کمپانی‌های بزرگ و انحصارات چند ملیتی، بزرگترین دشمن هرگونه دموکراسی در جامعه هستند و اتحادیه‌های زرد، در کنار این انحصارات قرار می‌گیرند و نمی‌گذارند که تشکل‌های کارگری واقعی، رشد کنند. آنها معتقدند که این عملکرد سندیکاهای زرد، نه به دلیل وحشی‌گری نظام، بلکه به خاطر سیستمی است که درون خود این سندیکاها حاکم است. آنها با این سندیکاهای وابسته مشکل دارند، هرچند که خود این تشکل‌ها هم، اسم سندیکا و اتحادیه بر خود دارند.

مبارزات کارگران مکزیک نشان می‌دهد که نام يك تشکل، تاثیری در نوع فعالیت آن ندارد. یک تشکل، بسته به شیوه سازماندهی، میزان دموکراتیک بودن روابط میان اعضاء و میزان استقلال تشکل از دولت، کمپانی و... می‌تواند در

شرایط زندگی کارگران، تغییر به وجود آورد. نمی‌توان به صرف اسم سندیکا، اتحادیه یا شورا، روی فعالیت یک تشکل نظر داد و آن را چشم بسته، محکوم یا تائید کرد.

فعالان مستقل کارگری، خواهان این هستند که جنبش چپ، موضع خود را در قبال اتحادیه‌ها تغییر دهد. بالانکا و لاسکویز ( Blanca Velásquez ) یکی از اعضای عضو "مرکز حمایت از کارگر" (Worker Support Centre) در کنفرانس تورنتو این مشکل را ساختاری می‌دید و معتقد بود که بحرانی در تشکل‌های کارگری مکزیک وجود دارد. او می‌گفت:

"مهم است که بفهمیم که بحران تشکل‌های مستقل کارگری، این است که ساختارشان از بالا به پایین است. باید راجع به ستراتیژی‌مان صحبت کنیم. باید تفاوت‌ها را ببینیم و مکانیسم آن‌ها را درک کنیم. برخی از مشکلات، ساختاری است و قبل از این بحران اخیر، وجود داشته اند. برخی دیگر را خودمان به وجود آورده ایم. ما باید راجع به کل ساختار صحبت کنیم. باید ببینیم چه عواملی در این تشکل‌های کارگری عمل می‌کند؟"

جریان‌ات چپ باید تغییرات کارگری امروز را ببیند و بپذیرد. به نظر این فعال کارگری، جریان‌ات چپ هنوز هم شک دارند که می‌شود تغییراتی از طریق فعالیت سندیکاهای مستقل به وجود آورد. او خواهان این بود که سرسری با این مسأله برخورد نشود. وی معتقد بود هر چقدر هم که رفرم ایجاد شود، باز هم مشکلات باقی خواهند ماند. بالانکا و لاسکویز در مورد تجربیات و دست‌آوردهای‌شان چنین می‌گفت:

"ما در این راه، کارگران زیادی را متشکل کردیم. با آگاه کردن دیگران از این اقدامات، به آنها جرأت می‌دهیم که متشکل شوند. سی و پنج کارخانه در مکزیک وجود دارد که برای فورد و فولکس واگن، قطعه تولید می‌کنند. در این کارخانه‌ها صد و پنجاه هزار کارگر، کارهای مکانیکی و قطعه کاری می‌کنند. ۴۸۰ کارگر که اکثراً زن هستند و چند تا مرد، هر بار که تشکلی ایجاد می‌کردند، کارفرماها کارگاه را تعطیل می‌کردند و کمی بعد، کارگاه با اسم دیگری شروع به کار می‌کرد. در بعضی جاها، کارفرما خود پیشنهاد می‌کرد که کارگران در سندیکا متشکل شوند. اما کارگران حق انتخاب نداشتند که در کدام سندیکا عضو شوند. این سندیکاها از منافع کارفرمایان حمایت می‌کردند. پارسال وقتی کارفرما اعلام کرد که درآمدشان چقدر بوده است، کارگران گفتند که باید سود را با ما تقسیم کنید. کارفرما هفت میلیون پزو درآمد داشت و کارگر تنها شش دلار می‌گرفت. به همین خاطر کارگران عصبانی بودند. اعتصاب شد. دو کمیته تشکیل شد... وقتی ما فهمیدیم که چگونه می‌توانیم به آن‌ها کمک کنیم، اتحادیه‌های زرد سکوت می‌کردند. ما تنها خواستی که داشتیم، آزادی حق تشکل بود. قراردادی بین سندیکا، کارفرما و کارگران بسته شده بود که در آن، کارگران هیچ حق و حقوقی نداشتند. ما روی این کار کردیم که قرارداد دسته‌جمعی چیست؟ مسأله ایمنی کار و بازرسی و تعطیلات و ساعات کار و... هیچ کدام از این‌ها روشن نبود. ما با آگاهی از این‌ها به میان کارگران رفتیم و اعتصاب شروع شد. در آن دوره که ما کارگران را متشکل می‌کردیم، کارگران خیلی عصبی بودند. وقتی احساس کردند که می‌توانند صدای‌شان را بالا ببرند، آرامتر شدند. ما با کارفرما بازی کردیم. به کارفرما گفتیم که اعتصاب را ساعت هفت صبح شروع می‌کنیم، اما از شب قبل، اعتصاب را شروع کردیم. کارگران از سی بخش اتحادیه با ما بودند و سی روز اعتصاب کردیم. سخت‌ترین کار، روز جمعه بود. کارفرما می‌خواست اعتصاب را تمام کند. کمپانی حقوق کارگران را به بانک نمی‌ریخت که کمک حال کارگران نباشد. ما به زنان می‌گفتیم: "ادامه دهید. فکر حقوق الان خود نباشید. جنبش را ادامه دهید." ما باید این کار را می‌کردیم. هر دقیقه برای کارفرما ضرر بود. برای مرسدس بنز هم، ضرر بزرگی بود. بعد از ۲۸ یا ۳۰ روز، اتحادیه زرد را لغو کردند و به کارگران این حق را دادند که تشکل خود را داشته باشند."

یکی از اقدامات مهم این تشکل‌ها حمایت از کارگران اخراجی است. "پابلو" کارگر اخراجی کارخانه "جنرال تایر" در "سن لوئیز پوتوسی" که توسط "کنتیننتال" خریده شده است، می‌گفت:

"در این جا تعرفه مزدی وجود ندارد، اما اتحادیه‌ای داریم که خلاف اکثر اتحادیه‌های مکزیک، که فاسدند و طرف کارفرماها هستند، از طرف کارگران انتخاب شده است، با کارگران همراه است و علیه کارفرما و برای تعیین تعرفه، شکایت کرده است. هم چنین صندوقی درست کرده‌ایم که کارگرانی که کار می‌کنند، درصدی از حقوق خود را برای کمک به کارگران اخراجی می‌دهند. ما کارگران اخراجی، ماهانه با این پول زندگی می‌کنیم و با کمک اتحادیه انقلابی‌مان، برای حمایت و همبستگی با کارگران سایر کارخانه‌ها، که در شرایط سخت و خطر اخراج قرار دارند یا در اعتصاب هستند، فعالیت می‌کنیم. این کار تاثیر زیادی بر روحیه کارگران می‌گذارد و در مقابل هم، فشار کارفرمایان را علیه کارگران بالا می‌برد، ولی ما از طرف سایر رفقای کارگران حمایت می‌شویم. بدون این همبستگی کارگری، ما قادر به ادامه زندگی و ادامه مبارزه نبودیم." (۱۲)

یکی از خواسته‌های صنفی کارگران متشکل در این اتحادیه‌های مستقل، قرارداد دسته‌جمعی است. این مسأله در قانون کار مکزیک وجود داشته است و بسیاری از کارگران با سابقه، از جمله کارگران معدن و برق، قرارداد دسته‌جمعی دارند. دولت نیز در سیاست‌های خود در تغییر این قانون و عدم اجرای آن، اقدامات بسیاری انجام می‌دهد. هنگامی که کارگران معدن، قرارداد دسته‌جمعی بستند، برای مقابله با کارگران و جلوگیری از تسری این مسأله به سایر بخش‌های کارگری، کل معدن را تعطیل کردند. یکی از دست‌آوردهای مبارزات و اعتصاب سندیکای کارگران برق (قبل از تعطیلی و اشغال نظامی شرکت)، به دست آوردن ده درصد اضافه حقوق بود. کارگران در مورد این خواسته و خواسته‌های دیگر خود و همچنین اجرای سیاست‌های ضروری در اتحادیه‌های مستقل، چنین می‌گویند:

- این مهم است که ببینیم چگونه می‌توانیم در قراردادهای دسته‌جمعی تاثیر داشته باشیم... و از چه مدلی برای آگاه کردن کارگران استفاده کنیم و چگونه می‌توان این‌ها را به هم نزدیک کرد و یک حرکت جمعی به‌وجود آورد.

- حق داشتن کار، یکی از خواسته‌های سندیکاهای ماست.

- کارگران برای اینکه بتوانند به نتیجه برسند، این شعار را باید سرلوحه کار خود قرار دهند: "نترس! حرکت کن و مبارزه کن." در این صورت خواهند توانست در مذاکرات دسته‌جمعی، مؤثر باشند.

- کارگران باید نشست‌های سالانه داشته باشند و خود کارگران با رأی مخفی، سندیکاهای خود را انتخاب کنند.

- ما نباید به کمک‌های نهادهای غیردولتی و کمک‌هایی که فلان اتحادیه (غیر مستقل) می‌کند، وابسته باشیم که ما را به جاهای ناجوری می‌رساند.

- باید تعریف درستی از حقوق بشر داشته باشیم. کنگره خود مردم می‌تواند مسایل جامعه را درک کند. باید مدل و نگاه درستی داشته باشیم.

- در عصر نئولیبرالیسم، به گفته خود کارگران مکزیکی، مبارزه صنفی و سیاسی در مکزیک از هم جدائی‌ناپذیر شده‌اند. در یکی از تراکت‌هایی که در اعتصاب کارگران اخراجی شرکت برق پخش شد، سندیکا خطاب به مردم مکزیک، خواسته‌های محوری زیر را مطرح کرد:

- پس گرفتن فرمان رئیس جمهور در مورد شرکت برق مرکزی و برقراری مجدد قانون اساسی

- خروج نیروهای "پیشگیرانه پولیس فدرال" (PFP) از تأسیسات شرکت برق مرکزی

- پایان سرکوب، آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت ارتش به پادگان‌ها

- دفاع از خدمات عمومی، به عنوان اموال عمومی کسانی که هیچ چیز ندارند (آب، برق، آموزش عمومی، امنیت اجتماعی، بهداشت، ترابری عمومی و ...) و مخالفت با پائین آوردن هزینه‌های عمومی دولت  
- دفاع از استقلال انرژی و غذایی کشور

- برآورده شدن خواست‌های کارگران روستائی کشور

خصوصی‌سازی‌های گسترده، که منجر به خیل عظیم بیکاران می‌شود، ضرورت اقدام یک‌پارچه و متشکل را به کارگران یادآوری می‌کند. طرح خواسته‌های سیاسی (مانند آزادی زندانیان سیاسی) همراه با خواسته‌های اقتصادی و صنفی، نشان از رادیکال شدن خواست‌های سندیکاهای مستقل است و نشان می‌دهد که این حرکت صنفی و تدافعی کارگری، می‌تواند در ائتلاف با نیروهای دیگر، به یک جنبش بزرگ سیاسی- اجتماعی تبدیل شود.

پایان

پاورقی:

۱۳- منبع تعدادی از عکس‌ها:

[www.imfmetal.org/files/11012116125310005/Fact%20sheet\\_en.pdf](http://www.imfmetal.org/files/11012116125310005/Fact%20sheet_en.pdf)

